



## آیا ساختار جامعه ما اجازه چند صدایی، نقد و پرسشگری را می‌دهد؟

گفت و گوی خبرنگاران با دکتر حسن بلخاری، عضو هیأت حمایت از کرسی های نظریه‌پردازی نقد و مناظره

گفت و گوی خبرنگاران با دکتر حسن بلخاری، عضو هیأت حمایت از کرسی های نظریه‌پردازی نقد و مناظره محمدرضا اسدزاده - در حالی از نظریه‌پردازی و کرسی های آن سخن می‌گوییم که حتی در جامعه علمی کمتر فضای آماده ای برای نقد و مناظره وجود دارد. مسئولان فرهنگی و آموزشی ما در حالی از تولید علم می‌گویند که پرسش در کلاس مدرسه و دانشگاه، امری در پنهان مذموم به حساب می‌آید. جامعه ای که در آن مناظره یعنی تخریب افراد، نه نقد نظرها و نظریه ها. جامعه ای که در آن آموزش یعنی حفظ زمان دار اطلاعاتی غیرکاربردی و...

اینها و بسیاری دیگر آسیب هایی هستند که امروز با آن روبرو هستیم. روزی که با دکتر حسن بلخاری به گفت و گو نشستیم، او عضو هیأت حمایت از کرسی های نظریه‌پردازی نقد و مناظره شده بود. بلخاری بیشتر در حوزه فلسفه هنر کار کرده است اما در نقد و جامعه شناسی فرهنگی و علمی نیز وقوف خوبی دارد و با آسیب شناسی فرهنگ و فلسفه آشناست. در این گفت و گو که در گروه اندیشه خبرنگاران منتشر می‌شود سعی کردیم به آسیب شناسی نظریه‌پردازی و نقد و مناظره علمی بپردازیم.

به نظر می‌رسد که یکی از مشکلات جدی تولید علم در کشور، نظام علمی ای است که افراد در آن آموزش می‌بینند. به نظر شما نظام علمی ما چقدر نظریه‌پردازی و تولید علم را در کشور ما فراهم می‌کند و این نظام با چه مشکلاتی در این زمینه روبروست؟

نظام علمی ما، مبتنی بر آموزش است نه پژوهش، در حالی که نظریه‌پردازی از دامن پژوهش بوجود می‌آید و شکوفا می‌شود. در نظام آموزشی ما، ضمن احترام به این نظام، باید گفت بر اثر ساختار موجود، علوم صرفاً منتقل می‌شوند و از سوی دیگر به دلیل کمیت‌گرایی در یکی دو دهه گذشته زمینه برای نقد و بررسی در حوزه و دانشگاه فراهم نشده است.

ساختار نظام آموزشی هم به گونه ای طراحی شده است که به شدت زمان مند است و عنصر زمان در ساخت آموزش، نقشی محوری دارد. در این نظام آموزشی دانشجوی طی چند جلسه باید یک موضوع را بیاموزد و ادامه مباحث در ترم های تحصیلی بعدی وجود ندارد. به عنوان مثال در رشته فلسفه هنر مقطع دکتری، درسی به نام «حکمت و هنر شرق» ، مباحث سه حوزه چین، هند و ژاپن را داریم ولی در طول یک ترم هم نمی‌توان موضوع هند را تمام کرد. بنابراین حضور محوری زمان در عرصه آموزش، آموزش را از پویایی لازم برای تقویت نظریه‌پردازی محروم می‌کند و چنانچه پژوهش در حاشیه و آموزش در متن باشد، بستر لازم برای نظریه‌پردازی فراهم نمی‌شود.

قطعا نظریه از دل پرسش بیرون می‌آید. اما آیا جامعه علمی ما پرسشگر است؟

دقیقا متأسفانه نظام آموزشی ما به دنبال آرایه سوال های جدید نمی‌گردد و ماهیت نظام آموزشی اقتاعی و ارضایی است و همین که دانشجوی علم را بفهمد کافی است، در حالی که نظام آموزشی الزاماً باید پرسش آفرین و پرسش پرداز باشد و این شرط ضروری ورود به نظریه‌پردازی است.

اما فکر نمی‌کنید با این پرسش‌گری لازمه اش فضای باز علمی است؟ بدون فضای باز علمی مگر نقد و مناظره و نظریه‌پردازی شکل می‌گیرد؟

بله. بالاخره هر شخص در قلمرو علمی خود به راحتی با انتشار کتاب و مقاله در نشریات علمی بتواند با جامعه علمی ارتباط برقرار کند و مورد نقد و نظر مختلف قرار گیرد و در واقع بستر لازم برای نظریه‌پردازی فراهم شود و در این زمینه هیأت حمایت از کرسی های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره می‌تواند بسترسازی نماید و این هیأت تا کنون حرکت خوبی نیز داشته است اما بعضاً نا شناخته است و عموم اندیشمندان با آن آشنایی زیادی ندارند.

اما در جامعه ما هر جا مساله پرسش‌گری مطرح شده به پرسش علیه یک فرد یا افراد انجامیده است. نه پرسش درباره یک فکر. چرا؟

بله متأسفانه برخی موضع‌گیری ها و داوری ها در جامعه ما موجب غلبه نقد شخص محور بر نقد علمی شده است. در زمینه نقد نیز

باید گفت که نقد نسبت ذاتی با فلسفه و اندیشه دارد و عامل مهمی برای تنقیح و صیقل دادن اندیشه و نظر است. در چنین فضایی اگر نقد، اسیر جریانات نا سالم شخص گرای، جریان گرایی و باند بازی شود، آسیب می بیند و در آن ساحت کسی جسارت نقد را پیدا نمی کند. باید هر کس هر نظری که دارد با اطمینان خاطر در چهارچوب موازین علمی (نه خارج از آن) آن را ارایه و امنیت مادی و معنوی او محفوظ نگهداشته شود.

من در هیات حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره پیشنهادی دادم که به لحاظ ساختاری یک نظریه قابل طرح را چنانچه شاخص های اولیه نظریه را داشته باشد، ابتدا در سطح جامعه علمی کشور منتشر و ظرف دو یا سه سال، به داوری عرف عام و به ویژه عرف خاص بگذاریم تا هر منتقد و مخاطبی آزادانه در این مدت اعلام نظر کند. پس از آن بازخوردها و نقد و نظر جمع آوری شده و سپس هیات آنها را طی جلساتی به نقد و بررسی بگذارد. تجربه نشان داده که چنین شیوه ای مناسب تر است به عنوان مثال کسانی که معمولاً نقد و نظر ارایه می کنند نظراتشان از سر تفنن نیست بلکه نگاهی دلسوزانه و جدی و خارج از حب و بغض ها دارند.

اما بسیاری فکر می کنند این فضای باز علمی به ضرر سنت ها و ساختارهای سنتی ما تمام می شود. چرا؟

نظریه ها محصول تاملات جدی، آشنایی با سوالات و مسائل مستحدثه در عصر حاضر و ایجاد رابطه بین امروز و فردای علم برای پاسخ گویی به نیاز هاست. نظام نظریه پردازی زمان بردار نیست و نظریه پرداز باید از گذشته تغذیه و با امروز آشنایی داشته باشد و با پرسش های جدید و طراحی مسئله، اندیشه و راه نویی را باز کند. بنابر این نظریه پرداز باید آشنا به مسائل و مبانی گذشته و نیازهای امروز جامعه باشد. اما من معتقدم اگر فضای آزاد علمی فراهم شود، اتفاقاً به ضرر سنت ها تمام نمی شود.

آقای دکتر فقط جریان های سنت گرایی نیستند که مانع آزاد اندیشی در کشور ما شده. یک طرف ماجرا هم سیطره غرب گرایی و مدرنیته است. از این سو برخی با هر نوع پرسش در مقابل مدرنیته مقابله دارند؟ چرا؟

پرسش خوبی کردید. ظرف یکصد و پنجاه سال گذشته جامعه ما به لحاظ علمی در سیطره فرهنگ غربی قرار داشته و بخشی از علوم ما وارداتی بوده است، این مسئله گرچه جامعه ما را با سپهر گسترده علمی آشنا کرد و در عین حال جغرافیای معرفتی ما را افزایش داده است، اما جرات نظریه پردازی را از ما گرفته است. به عنوان نمونه، یک دانشجوی دکتری فلسفه که بتواند در مقابل اندیشمند و فیلسوف بزرگی چون کانت نظری را ابراز کند و قوه حکم او را نقد کند، بعید است در خود جرات چنین کاری را بیابد. ما در عرصه های مختلف علمی شاهد فقدان جسارت لازم برای ورود به عرصه های جدید هستیم و در مواردی سلطه پذیری فرهنگ غرب موجب می شود که اجازه طرح ایده ها داده نشود.

اصلاً شما فکر می کنید آیا در جامعه ای با ساختار اسلامی، چند صدایی معنایی پیدا می کند و می تواند فضای ظهور و بروز داشته باشد؟

بله. چرا نمی شود. به شرطی که فضای ساختاری و فضای رسانه ای برای آن فراهم شود. اگر رسانه های ما بخصوص تلویزیون و برخی از مطبوعات مناظره را ترویج کنند کم کم زمینه نهادینه شدن گفت و گو در جامعه فراهم می شود.

اگرچه موضوع چند صدایی در ادبیات توسط باختین مطرح شده است و بر اساس آن در یک متن ادبی و هنری ما چند صدا داریم و پرسوناژها و قهرمان های مختلف وجود دارند که ایده ها و آرا خود را مطرح و به صورت معارض با هم پیش می روند و هیچ صدای برتری وجود ندارد، این به معنی کثرت گرایی نیست، بلکه هم افزایی است.

اما فرهنگ مناظره در آموزه های دینی ما مورد توجه بوده و امامان معصوم ما از جمله امام رضا (ع) و امام صادق (ع) مناظره هایی با دانشمندان فرق مختلف داشته اند. مباحثه های طلاب در حوزه نیز نمونه خوبی است. متأسفانه چون اسیر عوارض مدرنیته شده ایم و مدرنیته تک صدایی است جرات و جسارت گفت و گو و مناظره در جامعه ما کم شده است.